

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٢٣ / ٢ / ١٣٨٧

٩٨٥٨٤



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

ابزار شناخت

از دیدگاه شهید مطهری و ایمانوئل کانت

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمد فنایی اشکوری

استاد مشاور

آیت الله دکتر احمد بهشتی

نگارش و پژوهش

محبوبه بابامیری سید

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۳

۹۸۳۸۴

۱۳۸۶

«وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ
الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

«خدا شما را از شکم مادرانتان - در حالی که چیزی نمی دانستید - بیرون آورد، و
برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید». (نحل، آیه ۷۸)

تقدیم به تو:

ای آفتاب در حجاب

ای سپیده امید

ای چشمه زندگانی

ای یوسف زهرا

و تقدیم به

پیشولیان معصوم

که غبار از چهره خود بر گرفته و راه معرفت را بر ما گشودند.

و نیز تقدیم به

پرسشگران جویای حقیقت

فرهیختگان پویای شریعت.

جستجوگران وادی طریقت

و دلسوختگان طریق نجات و هدایت.

تقدیر و تشکر:

از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خود فرض می‌دانم که از زحمات اساتید محترم راهنما و مشاور جناب استاد آقای دکتر محمد فنائی و جناب آیة‌الله آقای دکتر احمد بهشتی که این نوشتار را از آغاز تا انجام به دقت از نظر گذراندند و با راهنمایی‌های خویش مرا بهره‌مند ساختند، سپاسگزاری می‌کنم و توفیق روز افزون ایشان را از درگاه خداوند بخواهم.

حکیده

شناخت در گسترده‌ترین معنا، برترین نمود جان انسان است، تا بدانجا که اوج آدمی در گرو آن می‌باشد. بنابراین نخستین مسأله‌ای که انسان در تمام بحث‌های علمی با آن روبرو است، مسأله شناخت و معرفت است و اندیشمندان، عرفا و فلاسفه بسیاری در این زمینه پژوهش‌های گرانسنگی به انجام رسانیده‌اند، اما در این رساله به علت گستردگی مباحث شناخت به بخشی از آن که ابزار شناخت باشد، بسنده شده است. انسان تمام علوم و شناخت‌های خود را از طریق ذهن و ابزار ویژه آن تحصیل می‌کند، از این رو تحقیق در باب ابزار شناخت ضروری است.

هدف این رساله، بررسی ابزار شناخت از دیدگاه مرتضی مطهری و ایمانوئل کانت می‌باشد و محور اصلی نوشتار، پی‌گیری این فرضیه است که ابزار معرفت از نظر این دو متفکر اختلافاتی دارد. این دو فیلسوف نامی که در دو نقطه عالم زیسته‌اند و متعلق به دو سنت، فلسفی مهم می‌باشند و هر یک در حوزه خود تأثیرگذار بوده‌اند، بررسی آراء آن‌ها در این باب راه گشا خواهد بود.

در این رساله، پس از بیان کلیاتی چون شناخت‌شناسی و مسأله معرفت، به آراء این دو اندیشمند در باب معرفت‌شناسی، پرداخته شده است، تا زمینه‌ای مناسب برای فهم و ذرک آراء این دو در مسأله ابزار شناخت فراهم آید.

در بحث از محورهای اصلی رساله، سخن با تاریخچه ابزار شناخت و بیان عقاید عقلیون و حسیون دنبال شده است. گروه نخست حس را قابل تحویل به ناهمه می‌دانند و دسته دوم ناهمه را به حس باز می‌گردانند. سپس ابزار شناخت از نظر مطهری و کانت مورد بررسی، مقایسه و نقد واقع شده است. استاد مطهری به پنج ابزار شناخت که عبارت است از: حس، عقل، شهود باطنی، فطرت و وحی معتقد هستند، که هر کدام بنا به اقتضای مورد و با توجه به ماهیت معلوم مورد استفاده واقع می‌شوند. به نظر ایشان کار حواس ایجاد زمینه و اعداد نفس برای ابداع صورت‌های حسی پدیدارهای مادی است و آن شرط لازم، نه شرط کافی شناخت است و شناخت بسیاری از امور فی نفسه و حقایق از جمله جوهر مادی اشیاء بر عهده عقل است. ایشان علاوه بر این دو ابزار به شهود باطنی و فطرت و وحی نیز توجه داشته‌اند، به گونه‌ای که فطرت را ام‌المسائل معارف اسلامی و وحی را نیز راه شناخت و سعادت بشر معرفی کرده است.

اما از نظر کانت، ذهن از سه قوه حس، فهم و عقل تشکیل شده است که کاملاً از هم دیگر متمایز و مستقل و غیر قابل تحویل به یکدیگر هستند. وی با تفکیک حس از فاهمه دو دسته امور ما تقدم را پذیرفته است و امور ما تقدم خاص حس یا «زمان و مکان» و مفاهیم محض فاهمه یا مقولات که چهار مقوله اصلی کمیت، کیفیت، نسبت و جهت هستند. عقل از نظر وی فاقد توان شناختی است و فقط در کلیت بخشی و نظم‌دهی اندیشه به فاهمه مدد می‌رساند. از نظر وی، با این دو ابزار (حس و ناهمه) فقط امور طبیعی قابل شناسایی است و شناخت متافیزیک با این دو ابزار غیر ممکن است. وی راه شناخت حقایقی چون خدا و نفس را شهود اخلاقی می‌داند که مربوط به عقل عملی است.

در خاتمه در خور ذکر است که با روشن شدن شباهت‌ها و تفاوت‌ها است که در نهایت به فهم حقیقت نزدیک‌تر می‌شویم. در نتیجه در پایان این نوشتار به این مطلب توجه شده، نتیجه‌گیری شده است، تا فتح بابی باشد برای تلاش بیشتر دانش پژوهان در این زمینه.

در قسمت ضمیمه گزارش کوتاهی از زندگانی این دو متفکر ارائه شده است، به امید این که از این طریق، الگوی مناسب‌تری در فهم ابزار شناخت از منظر آن‌ها حاصل گردد.

مفاهیم کلیدی: شناخت، ابزار شناخت، مطهری، کانت، حس، عقل، شهود باطنی، فطرت و وحی.

فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق
۲	مقدمه
۴	۱- بیان مسئله:
۴	۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:
۵	۳- سابقه پژوهش:
۵	۴- سؤال اصلی پژوهش:
۶	۵- فرضیه پژوهش:
۶	۶- سؤالات فرعی:
۶	۷- اهداف پژوهش:
۷	۸- روش پژوهش:
۷	۹- سازماندهی پژوهش:
۹	فصل اول: کلیات
۱۰	بخش اول: معرفت شناسی
۱۲	۱-۱-۱- پیشینه شناخت شناسی

فهرست مطالب (ب)

- ۱۳..... ۱-۱-۱-۱. شناخت‌شناسی در فلسفه غرب
- ۱۴..... ۲-۱-۱-۱. شناخت‌شناسی در فلسفه اسلامی
- ۱۵..... ۲-۱-۱. تعریف شناخت‌شناسی
- ۱۷..... بخش دوم: واژه‌شناسی
- ۱۸..... ۱-۲-۱. تحلیل معرفت
- ۱۸..... ۱-۲-۱-۱. واژه معرفت و شناخت
- ۲۰..... ۲-۱-۲-۱. اصطلاح معرفت و شناخت
- ۲۲..... ۳-۱-۲-۱. تحلیل فلسفی معرفت
- ۲۳..... ۱-۳-۱-۲-۱. بررسی تعریف شناخت
- ۲۸..... فصل دوم: نگاهی گذرا بر اندیشه‌های دو متفکر در باب شناخت
- ۲۹..... بخش اول: استاد شهید مرتضی مطهری و شناخت
- ۳۰..... ۱-۱-۲. ماهیت و حقیقت شناخت و علم
- ۳۲..... ۲-۱-۲. اقسام شناخت
- ۳۲..... ۱-۲-۱-۲. علم حصولی و حضوری
- ۳۳..... ۱-۱-۲-۱-۲. فرق علم حصولی و علم حضوری
- ۳۴..... ۲-۱-۲-۱-۲. انواع علم حضوری
- ۳۶..... ۳-۱-۲-۱-۲. ملاک علم حضوری
- ۳۷..... ۲-۲-۱-۲. انواع علم حصولی:
- ۳۸..... ۳-۱-۲. انواع مفاهیم
- ۴۱..... ۴-۱-۲. بدیهیات
- ۴۴..... ۵-۱-۲. ارزش شناخت
- ۴۶..... ۱-۵-۱-۲. فرق ملاک شناخت و معیار شناخت

فهرست مطالب (ج)

۴۷	۲-۱-۶. امکان شناخت
۴۹	۲-۱-۷. ضرورت شناخت
۵۱	۲-۱-۸. منابع شناخت
۵۲	۲-۱-۹. مراحل شناخت
۵۳	۲-۱-۱۰. ابزار شناخت
۵۵	بخش دوم: ایمانوئل کانت و شناخت
۵۶	۲-۲-۱. نقد عقل نظری
۵۹	۲-۲-۱-۱. احکام تحلیلی و تألیفی
۶۱	۲-۲-۱-۲. انقلاب کپرنیکی
۶۳	۲-۲-۱-۳. ابزارها و قوای شناسایی
۶۳	۲-۲-۱-۳-۱. حسیات استعلایی
۶۶	۲-۲-۱-۳-۲. تحلیل استعلایی (فاهمه)
۶۸	۲-۲-۱-۳-۱-۲. مقولات فاهمه
۷۲	۲-۲-۱-۳-۲-۲. عینیت از نظر کانت
۷۴	۲-۲-۱-۳-۲-۳. شاکله سازی
۷۸	۲-۲-۱-۳-۳. جدل استعلایی
۸۲	۲-۲-۲. نقد عقل عملی (فلسفه اخلاق)
۸۶	فصل سوم: ابزار شناخت
۸۷	بخش اول: تاریخچه ابزار شناخت
۹۲	بخش دوم: بررسی گروه‌ها
۹۳	۳-۲-۱. حسیون (مکتب حس گرا)

- ۹۶ ۳-۲-۱-۱ اصالت حس یا عقل؟
- ۹۶ ۳-۲-۱-۱ در تصورات
- ۱۰۰ ۳-۲-۱-۱ در تصدیقات
- ۱۰۳ ۳-۲-۱-۲ گرایش پوزیتیویسم
- ۱۰۴ ۳-۲-۱-۲ نظر پوزیتیویسم
- ۱۰۷ ۳-۲-۲ عقلیون
- ۱۱۱ ۳-۲-۳ رأی حکمای اسلامی و استاد مطهری
- ۱۱۵ فصل چهارم: ابزار شناخت از دیدگاه مرتضی مطهری
- ۱۱۶ ۴-۱ استاد مطهری و ابزار شناخت
- ۱۲۰ ۴-۱-۱ حس
- ۱۲۲ ۴-۱-۱ ویژگی‌ها و محدودیتهای شناخت حسی
- ۱۲۵ ۴-۱-۲ عقل
- ۱۲۵ ۴-۱-۲ معنای لغوی عقل
- ۱۲۶ ۴-۱-۲ مترادفات عقل
- ۱۲۶ ۴-۱-۲ لب
- ۱۲۷ ۴-۱-۲ قلب
- ۱۲۷ ۴-۱-۲ «نهی»
- ۱۲۷ ۴-۱-۳ معنای اصطلاحی عقل
- ۱۲۹ ۴-۱-۲ شناخت عقلی
- ۱۳۰ ۴-۱-۲ ویژگی‌های شناخت عقلی
- ۱۳۳ ۴-۱-۳ شهود
- ۱۳۳ ۴-۱-۳ واژه شهود

- ۱۳۶ ۴-۱-۳-۲. معنای قلب
- ۱۳۶ ۴-۱-۳-۲-۱. قلب از بیان اهل عرفان
- ۱۳۸ ۴-۱-۳-۳. استاد مطهری و تزکیه نفس
- ۱۴۰ ۴-۱-۳-۴. تفاوت شناخت عقلی با شناخت قلبی
- ۱۴۲ ۴-۱-۳-۵. نقش تزکیه قلبی در شناخت
- ۱۴۴ ۴-۱-۳-۶. تأثیر تزکیه قلبی در شناخت از نظر علمی و فلسفی
- ۱۴۵ ۴-۱-۳-۷. مراتب و مراحل شناخت شهودی
- ۱۴۷ ۴-۱-۴. فطرت
- ۱۴۷ ۴-۱-۴-۱. اهمیت فطرت
- ۱۴۸ ۴-۱-۴-۲. تعریف فطرت
- ۱۵۲ ۴-۱-۴-۲-۱. تعریف و تبیین فلسفی استاد مطهری از فطرت
- ۱۵۳ ۴-۱-۴-۲-۱-۱. تمایز مفهوم فطرت از سایر مفاهیم قریب
- ۱۵۳ ۴-۱-۴-۲-۱-۱-۱. تفاوت «فطرت» و «طبیعت»
- ۱۵۴ ۴-۱-۴-۲-۱-۱-۲. تفاوت «فطرت» و «غریزه»
- ۱۵۴ ۴-۱-۴-۲-۱-۱-۳. تفاوت «فطرت» و «سرشت»
- ۱۵۵ ۴-۱-۴-۲-۱-۱-۴. تفاوت «فطرت» و «امر مکتسب»
- ۱۵۶ ۴-۱-۴-۳. ویژگیهای فطرت
- ۱۵۸ ۴-۱-۴-۴. کارکردهای نظریه فطرت
- ۱۶۰ ۴-۱-۴-۵. فطریات انسان
- ۱۶۰ ۴-۱-۴-۵-۱. ادراکات فطری
- ۱۶۴ ۴-۱-۴-۵-۱-۱. وجود شناخت فطری
- ۱۶۷ ۴-۱-۴-۵-۲. گرایشهای فطری (فطریات غیر نظری یا احساسی)
- ۱۶۹ ۴-۱-۵. وحی

۱۶۹	۴-۱-۵-۱. معنای وحی
۱۷۱	۴-۱-۵-۱. نظر استاد مطهری
۱۷۱	۴-۱-۵-۲. استعمال و کاربرد وحی در قرآن
۱۷۶	۴-۱-۵-۲-۱. بیان استاد مطهری
۱۷۸	۴-۱-۵-۳. ویژگی‌های وحی
۱۷۹	۴-۱-۵-۳-۱. ویژگی‌های وحی از نظر استاد مطهری
۱۸۰	۴-۱-۵-۴. استاد مطهری و آراء در باب وحی
۱۸۲	۴-۱-۵-۴-۱. نقد اندیشه اقبال از استاد مطهری
۱۸۵	فصل پنجم: ابزار شناخت از دیدگاه ایمانوئل کانت
۱۸۶	۵-۱. کانت و ابزار شناخت
۱۸۶	۵-۱-۱. حس و فاهمه
۱۸۹	۵-۱-۱-۱. مقولات کانت و مقولات ثانیه:
۱۹۰	۵-۱-۱-۲. فرق بین مقولات کانت و مقولات ثانیه
۱۹۴	۵-۱-۱-۳. مشکل شناخت و حل آن با مقولات ثانیه
۱۹۶	۵-۱-۱-۳-۱. حل مشکل شناخت
۱۹۹	۵-۱-۱-۴. نتیجه بحث
۲۰۲	۵-۱-۲. شهود و کانت
۲۰۳	۵-۱-۲-۱. تقسیمات شهود از نظر کانت
۲۰۵	۵-۱-۲-۲. کانت و معلومات عقلی
۲۰۶	۵-۱-۲-۲-۱. علوم ریاضی
۲۰۷	۵-۱-۲-۲-۲. علوم طبیعی
۲۰۸	۵-۱-۲-۲-۳. فلسفه اولی یا متافیزیک

- ۲۰۹ ۵-۱-۲-۲-۳-۱. کانت و متافیزیک
- ۲۱۰ ۵-۱-۲-۲-۳-۲. مابعد الطبیعه چیست؟
- ۲۱۳ ۵-۱-۲-۲-۳-۱. نفس (روح)
- ۲۱۴ ۵-۱-۲-۲-۳-۲. جهان
- ۲۱۵ ۵-۱-۲-۲-۳-۳. وجود خدا
- ۲۱۸ ۵-۱-۲-۲-۳-۳. اثبات اصول موضوعه
- ۲۱۹ ۵-۱-۲-۲-۳-۳. آزادی انسان
- ۲۲۱ ۵-۱-۲-۲-۳-۳. جاودانگی نفس
- ۲۲۲ ۵-۱-۲-۲-۳-۳. وجود خداوند
- ۲۲۴ ۵-۱-۲-۳. نظر استاد مطهری در نظریه و نقد کانت
- ۲۲۹ ۵-۱-۳. فطرت و کانت
- ۲۲۹ ۵-۱-۳-۱. وجدان اخلاقی کانت
- ۲۳۰ ۵-۱-۴. وحی و کانت
- ۲۳۵ فصل ششم: کنکاشی در مرز و حدود شناخت
- ۲۳۶ حدود و مرز شناخت
- ۲۳۷ ۶-۱. حدود و مرز شناخت از نظر کانت
- ۲۳۹ ۶-۲. حدود شناخت در نظر استاد مطهری
- ۲۴۳ فصل هفتم: خاتمه
- ۲۴۴ بخش اول: بررسی و مقایسه آراء کانت و مطهری
- ۲۴۶ ۷-۱-۱. خلاصه نظریه کانت
- ۲۴۷ ۱- حیات استعلایی

فهرست مطالب (ح)

- ۲۴۷ ۲- تجلیات استعلایی
- ۲۴۷ ۳- جدل استعلایی
- ۲۴۷ ۷- ۱- ۲. مقایسه آراء دو متفکر
- ۲۴۹ ۷- ۱- ۲- ۱. ایرادهاى مطهری بر کانت
- ۲۵۴ ۷- ۱- ۳. کاوشی در نظرات مطهری و کانت در باب ابزار شناخت
- ۲۵۵ ۷- ۱- ۳- ۱. حس و عقل:
- ۲۵۷ ۷- ۱- ۳- ۲. شهود:
- ۲۶۱ ۷- ۱- ۳- ۳. فطرت:
- ۲۶۳ ۷- ۱- ۳- ۴. وحی:
- ۲۶۵ بخش دوم: نقدهایی بر نظریات کانت
- ۲۷۳ بخش سوم: نتیجه گیری
- ۲۷۴ ۷- ۳- ۱. نتیجه گیری
- ۲۷۷ ۷- ۳- ۲. سخن نهایی
- ۲۷۸ ۷- ۳- ۳. محدودیت های تحقیق:
- ۲۷۹ بخش چهارم: ضمایم
- ۲۸۰ ضمیمه (۱)
- ۲۸۰ ۷- ۴- ۱- ۱. سیری در زندگانی شهید مطهری
- ۲۸۳ ۷- ۴- ۱- ۲. نگاهی گذرا به اندیشه و شخصیت شهید مطهری
- ۲۸۵ ۷- ۴- ۱- ۲- ۱. استاد مطهری و علم کلام و فلسفه اسلامی
- ۲۸۶ ۷- ۴- ۱- ۲- ۲. استاد مطهری و فلسفه غرب
- ۲۸۷ ۷- ۴- ۱- ۳. آثار و تألیفات شهید مطهری
- ۲۸۷ ۷- ۴- ۱- ۳- ۱. ویژگی های آثار استاد
- ۲۸۷ ۷- ۴- ۱- ۳- ۲. فهرست آثار استاد

فهرست مطالب (ط)

۲۸۹	ضمیمه (۲)
۲۸۹	۱-۲-۴-۷. مروری بر زندگانی و شخصیت کانت
۲۹۲	۲-۲-۴-۷. عوامل مؤثر در فلسفه بر افکار کانت
۲۹۴	۳-۲-۴-۷. آثار کانت
۲۹۶	بخش پنجم: کتابنامه

مقدمه:

طرح تحقیق

مقدمه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ وَ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْأَنَامِ».

سپاس بی شمار خدایی یگانه‌ای را که عوالم هستی و تنزلات پیاپی خلق را با صفت سابق خویش، نه استحقاق لا حق آفرید. حمد و سپاس، خدایی را سزاست که آدمی را بر دیگر موجودات، امتیازی بخشید و هدف از آفرینش او را معرفت خویش قرارداد و چون برای نیل به این مقصود، ابزاری شایسته می‌بایست، وی را به پیامبری درونی به نام عقل، مجهز ساخت و حس ظاهر و باطن را نیز به خدمت او گماشت. بدین سان، مایه امتیاز انسان از دیگر آفریدگان را در توانایی او برای کسب آگاهی و شناخت‌هایی قرار داد که موجودات دیگر از دستیابی به آن‌ها ناتوانند و از این جا است که اگر انسان از این ابزار ادراکی به شایستگی بهره‌بردارد، همسان، بلکه فروتر از چارپایان خواهد بود.

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْمَارِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (۱)

ناگفته پیداست که حس و عقل نیز دروازه بسیاری از معارف را به روی خود بسته می‌بینند و به ناتوانی خود از درک جزئیات راه رستگاری، اعتراف دارند. از این رو، به دامان شهود باطنی متوسل می‌شوند و از ظرف فطرت پاک خود خویش را سیراب می‌سازند، اما از آن طرف به

ابزاری کارتر از آن نیز چشم دوخته‌اند که رابطه زندگی این جهان را با جهانی دیگر را تبیین کنند، راه رسیدن به کمال نهایی را به آدمی بنمایانند. پدید آورنده آسمان و زمین که خود را به حق احسن الخالقین نامیده، این نقیصه را با پدیده وحی جبران ساخته است. پیامبران الهی با ارائه شواهدی متقن که هیچ تردیدی را بر نمی‌تابد، بهره مندی خویش را از معارف و حیاتی اعلام داشته، از مردم می‌خواهند که «نقل» را همنشین شایسته «عقل» سازند.

پس سخن بر سر ابزار ساخت است، که انسان برای رسیدن به حقایق از چه ابزاری یاری می‌گیرد؟ انسان از چند دریچه می‌تواند جهان را بنگرد و به حقایق هستی آشنا گردد؟ آیا فقط حس راه گشاست یا عقل؟ اصالت با کدامین است؟ آیا ابزار دیگری به کمک حس و عقل می‌آیند تا به حقایق ناشناختنی دسترسی یابند؟

این جاست که سئوالات زیادی مطرح می‌شود که از دیرباز ذهن همه فلاسفه و متفکران را به خود مشغول داشته و هنوز هم بخش عمده‌ای از مباحثات امروز را به خود اختصاص داده است. اکنون ماییم و میراثی به عظمت تاریخ اندیشه بشری که می‌کوشیم به فراخور توانایی خود، گامی در این وادی برداشته به زوایای تاریک بحث پرتوی بیافکنیم.

در آغاز، آفریدگار معرفت را به مدد می‌طلبیم و عاجزانه و فروتنانه او را می‌خوانیم که «سهل گردان، ره نما، توفیق ده» و ما را از لغزش‌های آشکار و نهان مصون دار تا با پرهیز از افراط و تفریط، جایگاه واقعی هر کدام از ابزار شناخت و معرفت را بازشناسیم و هر یک را در قلمرو و مسند شایسته خویش قرار دهیم.

و خدای را سپاسگزاریم که به این بنده ضعیف توفیق داد تا با بضاعت اندک خود بتوانم در جهت معرفی بخشی از اندیشه‌های متفکرانی چون شهید مطهری و ایمانوئل کانت در زمینه ابزار شناخت گامی ناچیز برداریم.

در این رساله تلاش شده تا مجموعه مباحث با ساختاری هماهنگ و مناسب چینش شده و

آماده ارائه به عرصه علم و فرهنگ گردد.

۱- بیان مسئله:

مباحث معرفت‌شناسی بسیار مفصل و گسترده است و در یک پژوهش مجالی برای پرداختن به همه ابعاد معرفت نیست. در این نوشتار سعی شده فقط موضوع ابزار شناخت را از دیدگاه دو اندیشمند فرهیخته؛ استاد مطهری و کانت مطرح شود و تا حد توان مورد بررسی و نتیجه‌گیری و نقد قرار گیرد.

تلاش پژوهش‌گر بر آن بوده تا با بازگو کردن آرای این دو متفکر در زمینه ابزار شناخت به الگویی مناسب در این زمینه دست یابد.

۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن:

تاریخ فلسفه نشان می‌دهد که یکی از مطالب بسیاری اساسی که اکثر فیلسوفان در اعصار مختلف بدان اهتمام داشته‌اند، پی‌جویی از ریشه‌های آغازین معرفت و کشف اولین آگاهی‌های آدمی است و این که اولین دریافته‌های آدمی به کدام مرحله از حیات انسان مربوط می‌شود؟ از چه نوعی است و به چه اموری تعلق دارد؟ و از چه راه‌هایی حاصل می‌شود؟ انسان از چند دریچه می‌تواند جهان خارج خود را بنگرد و با حقایق هستی آشنا شود؟

بنابراین فلاسفه برحسب پاسخ به این پرسشها به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند، که این خود باعث ایجاد نحله‌های مختلف و به وجود آمدن مکتب‌های گوناگون می‌گردد و این خود دلیلی است که بر اهمیت مسأله معرفت‌شناسی به خصوص در زمینه ابزار شناخت و طرق دستیابی به جهان خارج.

و هم چنین علاقه شخصی برای آشنایی بیشتر با طرق شناخت و انبوهی از سؤالات خود در این زمینه و آشنایی با نظرات دو فیلسوف از دو مکتب مختلف شرقی و غربی را بر آن داشت که این بحث را برای پژوهش انتخاب کنم.

و تلاش بر این است که طرح این مسأله (ابزار شناخت) و اشاره به آراء این دو اندیشمند زمینه فهم بهتر حقیقت و واقعیت هستی را فراهم آورم.

۳- سابقه پژوهش:

در باب معرفت‌شناسی به خصوص در زمینه ابزار شناخت مطالبی به رشته تحریر درآمده است. چراکه انسان به عنوان یک موجود آگاه که بایستی فعالیت هایش بر اساس شعور و آگاهی باشد، در صدد کشف چگونگی شناخت حقیقت است و این که از چه راهی و با چه ابزاری می‌تواند به جهان خارج آگاهی پیدا کند. از این رو افراد زیادی در این راه تلاش‌هایی را انجام داده‌اند و هر یک بر اساس مبنایی که داشته‌اند به نتایجی دست یافته‌اند. به هر تقدیر توجه به مسأله شناخت و شناسایی ابزار شناخت مسأله‌ای است که از قدیم الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب گوناگون بوده است و کمتر نظام فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان پرداخته باشد.

با توجه به مطالعات انجام شده توسط این جانب، پژوهشی با عنوان ابزار شناخت از دیدگاه مطهری و کانت دیده نشد. اما پژوهش‌هایی به صورت کتاب یا مقاله تحت عناوین عقل‌گرایی شهید مطهری و یا نقدهای شهید مطهری بر کانت در زمینه فلسفه اخلاق ایشان یا کتابهایی که به بررسی اجمالی معرفت‌شناسی کانت پرداخته‌اند، نوشته شده است. ولی در مورد ابزار شناخت از دیدگاه کانت کار تحقیقی به شکل مجزا بسیار اندک است و یا اصلاً دیده نشده است. هر چند در کتاب‌های خود کانت و شارحان آثار او مطالبی به صورت پراکنده در این زمینه نوشته‌اند. امید است که این پژوهش فتح بابی باشد برای تحقیق و پژوهش بیشتر بر روی آثار شهید مطهری و کانت به خصوص در مباحث معرفت‌شناسی و بالاخص در موضوع ابزار شناخت و معرفت وجود.

۴- سؤال اصلی پژوهش:

راه‌های تحصیل معرفت از دیدگاه شهید مطهری و کانت چیستند و چه نسبتی با هم دارند؟